



محمدباقر نوبخت عنوان کرد
**ناتوانی دولت
در احقاق حقوق
شهادی منا**

صفحه ۲

وطن امروز

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

گفت‌وگوی «وطن امروز» با احسان عبدی پور

**مدیران فرهنگی
هوادار سیاسی
می‌خواهند!**

صفحه ۱۳



۱۱۷۷ سال و ۲۵۵ روز گذشت ■ ISSN:2008-2886 ■ Vol.08 ■ No.1969 ■ Wed.Aug.31.2016 ■ VATAN-E-EMROOZ ■

چهارشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۹۵ ■ ۲۸ ذی‌القعدة ۱۴۳۷ ■ ۳۱ آگوست ۲۰۱۶ ■ سال هشتم ■ شماره ۱۹۶۹ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

تیتراژهای امروز

مهندس چمران در گفت‌وگو با «وطن امروز» درباره حواشی انتخابات هیأت رئیسه شورای شهر:

دنبال انحلال شورا هستند

■ ابقای هیأت رئیسه اصولگرا
در انتخابات شورای شهر تهران

صفحات ۴۰۲

نمایندگی برندها قاچاق هم می‌آورند

صفحه ۳

خادمی: گذر زمان مشخص می‌کند زنگنه خدمت کرده یا ظلم

محکومان کرسنت مناقصه نفتی برگزار می‌کنند!

صفحه ۲

رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس درباره حمایت روزنامه دولت از تروریست‌های تکفیری، به وزیر ارشاد تذکر داد

ایران علیه روحانی!

صفحه ۲

دل‌نویس

اینک انتشار زمان

■ حسین قدیانی

خوشا به حال مردم بالاترین که معتنم شمردند روزه دوشنبه را اما براستی یعنی چه «حوالارض»؟! از شبش همین را به نقل از رضای آل محمد می‌دانیم که شب میلاد حضرت ابراهیم و حضرت عیسی است و از روزه همین را که روز پهن شدن زمین است. روز برآمدن زمین از زیر آب، قیقا از همانجا که خانه خدا کعبه بنا نهاده شده اما براستی یعنی چه «حوالارض»؟! بسا همین مجهول پسر از معما مانده‌ام در کار آدمی، آن دم که در برابر «خالق زمین» ادعای «دانستن» می‌کنند!

بسم‌الله الرحمن الرحیم، ما نسه می‌فهمیم «زمین» چیست و نه می‌فهمیم معنای «پهن شدن زمین» چیست! فتح ماهه فتح مشتری! فتح مریخ و انسانی که هنوز در کار همین زمین مانده خط توخیز در مفتاح، تنها و تنها اضافه بر مجهولات ما کرده‌اند و اینقدر بی‌سیما؛ نمی‌دانیم، این از اشرف ما بر زمین! سیاره خودمان! چه غلط بزرگی!

غلط‌های زیادی فرزندان آدم! «سیاره خود!» صاحب زمین هم شدید! «صاحب» اما تویی ای خالق السموات و الارض و ای خالق دحوالارض! چند خط توضیح در مفتاح، تنها و تنها اضافه بر مجهولات ما کرده‌اند و اینقدر بی‌سیما؛ نمی‌دانیم، این از اشرف ما بر زمین! سیاره خودمان! چه غلط بزرگی!

غلط‌های زیادی فرزندان آدم! صاحبان زمین! ملاکین ارض! ما کدام سنند! آری! این از اشرف ما بر زمین! آن هم از اشرف ما بر زمان! اشرف! چقدر هم اشرف!

۱۱۷۷ سال و ۲۵۵ روز است «ادم» را ندیده‌ایم! و «نوح» را! و «ابراهیم» را! و «موسی» را! زمان در خواب است و نیک اگر بنگری اینک این زمان است که در آب است! کاش نوبت انتشار زمان هم برسد! کاش از همان کعبه دحوالارض، سرفره زمان هم برای این روزگار منجمد پهن شود!

دبری است «ادم» را ندیده‌ایم! و آب دارد زمان را با خود می‌برد! سرفینه بزرگتری لازم است! بزرگتر از کشتی نوح! فصل‌ها می‌آیند و می‌روند! همین دیگر! غلط‌های زیادی فرزندان آدم! جز «فصل تلخ غیبت» هزار و اندی سال است که بشریت، «بهار» را به روی خود ندیده!

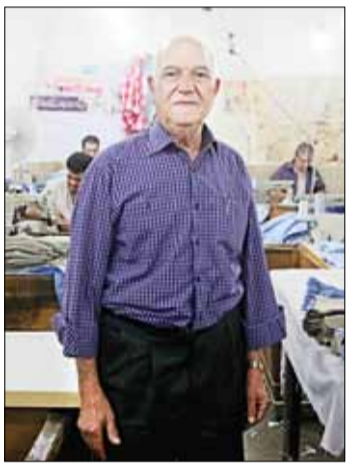
ادامه در صفحه ۵



گزارش «وطن امروز»
**پای حرف مردم کوچه و بازار در باره حقوق‌های نجومی
و حمایت دولت از مدیران متخلف**

آه مردم

عکس‌ها: ابراهیم جدیری، وطن امروز



چرا دوست نداشته باشم؟ چرا باید مادرم هم کار کند تا زندگی ما بچرخد؟ اما خب! اینها برای ما نیست». ورنه در دستش بود، خمیر را می‌کوبید و باز می‌کرد و با ما مشغول صحبت بود. کمی با او شوخی کردیم، مشتری آمد و ما هم خداحافظی کردیم.

■ **حقوق‌شان از من بالاتر باشد! اما نه ۵۰ برابر!** داشتیم از میدان فردوسی رد می‌شدیم که از دل جوی کنار خیابان یک جوان با یک سطل پر از آشغال‌هایی که راه آب را گرفته بود بیرون آمد. ماسکی بر صورت داشت، دستکشی در دست، خیلی فرصت نداشت که یکجا بایستد و ما با گفت‌وگو کردیم، ما هم با او همراه شدیم، از دم جوی تا سطل آشغال گوشه میدان می‌رفتیم و می‌ادیم و حرف می‌زدیم. خودش، یک زن و ۲ بچه جمع خانواده او را تشکیل می‌دادند که با ماهی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان باید آن را اداره می‌کرد. از صبح علی‌الطولو هم مشغول بود.

ادامه در صفحه ۵

زیر دست خودش چنین نمی‌کند؟! گفت: «بیایم صحبت کنیم که چه شود؟» از تک و تا نرفتند، ادامه دادم و بالاخره او به من اعتماد کرد! خواص باید سر سفره بیت‌المال باشند! می‌گفت: «ما عوام هستیم و خواص باید سر سفره بیت‌المال باشند. آنها باید فیش‌های ۵۰ میلیونی داشته باشند اما بقیه مردم باید با حقوق ۷۰۰ هزار تومانی مصوب وزارت کار بسازند!» بغض کرده بود و حرف می‌زد. ناراحت بود که «چرا ملت پرشور و حماسه‌ساز را فقط برای ایام انتخابات می‌خواهند و وقتی قرار است سفرهای پهن شود ما را سر سفره راه نمی‌دهند و سفره مخصوص عده خاصی از افراد است». این را گفت و یکبار به لحنی محکم‌تر ادامه داد: «مگر امام علی بود این طور برخورد می‌کرد؟ آن آقای مسؤول باید از امام علی یاد بگیرد. مگر خواننده که امام علی کنار دست عقیل بردارش آهن گذاخته گذاشت تا بفهمد آتش جهنم برای آن کسی که از بیت‌المال برای خود و خانواده‌اش بردارد چه عاقبتی دارد؟ خب! چرا این آقای مسؤول که داعیه دارد، با

میکائیل دینانی: مساله فیش‌های نجومی ۳ ماهی است در فضای کشور مطرح است اما کمتر رسانه‌ای سراغ مردم عادی کوچه و بازار رفته تا بشوند آنها چه می‌گویند. اینکه نظر آنها درباره فیش‌های نجومی چیست یا اینکه اصلاً آنها از مسؤولان در این رابطه چه توقعی دارند؟ برای همین تصمیم گرفتیم برویم بین مردم و ببینیم آنها چه می‌گویند. حدود ساعت ۱۰ صبح با عکاس روزنامه راهی شدیم تا نظر مردم را درباره فیش‌های نجومی ببینیم؛ بیشتر دلم می‌خواست با کسبه صحبت کنیم؛ آنها که از صبح تا شب مشغول کارند.

به سمت میدان فردوسی رفتیم، یک کوچه مانده بود به میدان، جوانی اهل کردستان، تووند با چرخ‌دستی‌ای که از جمع‌های آشوب و انجیر پر بود، داشت از کنارمان می‌گذشت. از او خواهش کردم چند لحظه‌ای تامل کند تا بتوانیم با هم صحبت کنیم، گفتم درباره وضعیت اقتصادی می‌خواهیم صحبت کنیم و فیش‌های نجومی، ابتدا نمی‌پذیرفت.

چرا دوست نداشته باشم؟ چرا باید مادرم هم کار کند تا زندگی ما بچرخد؟ اما خب! اینها برای ما نیست». ورنه در دستش بود، خمیر را می‌کوبید و باز می‌کرد و با ما مشغول صحبت بود. کمی با او شوخی کردیم، مشتری آمد و ما هم خداحافظی کردیم.

■ **حقوق‌شان از من بالاتر باشد! اما نه ۵۰ برابر!** داشتیم از میدان فردوسی رد می‌شدیم که از دل جوی کنار خیابان یک جوان با یک سطل پر از آشغال‌هایی که راه آب را گرفته بود بیرون آمد. ماسکی بر صورت داشت، دستکشی در دست، خیلی فرصت نداشت که یکجا بایستد و ما با گفت‌وگو کردیم، ما هم با او همراه شدیم، از دم جوی تا سطل آشغال گوشه میدان می‌رفتیم و می‌ادیم و حرف می‌زدیم. خودش، یک زن و ۲ بچه جمع خانواده او را تشکیل می‌دادند که با ماهی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان باید آن را اداره می‌کرد. از صبح علی‌الطولو هم مشغول بود.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت امروز

نقشه آمریکایی برای مهندسی اجتماعی

■ مهدی محمدی

یک سوال مهم که کمتر به آن پرداخته شده این است که مجموعه رفتارهای ایران در حوزه‌های راهبردی در حدود یک سال گذشته (پس از آغاز اجرای برجام) به چه نحو بر محاسبات آمریکا اثر گذاشته است. آمریکا از همان آغاز ادعا کرده هدفش از اعمال فشار بر ایران، اثرگذاری بر محاسباتی است که زیرساخت تصمیم‌گیری‌های راهبردی ایران را تشکیل می‌دهد اما قابل انکار نیست که نوع واکنش ایران به اقدامات آمریکا هم، بر تصمیم‌گیری‌های راهبردی این کشور تاثیر گذاشته است. در واقع الان وضعیت به گونه‌ای است که دقیق نمی‌توان گفت اثر تصمیمات آمریکا بر محاسبات راهبردی ایران بیشتر بوده یا اثر واکنش‌های تهران به این تصمیمات، بر محاسبات واشنگتن؟ شاید در آغاز آمریکا تصور می‌کرد با موفقیت در حال بازی با محاسبات ایران است و از طریق ایجاد نوعی درگیری میان محاسبات مردم و حاکمیت در ایران، توانسته راهی موثر برای تغییر محاسبات تصمیم‌گیران در حوزه‌هایی پیدا کند که تا پیش از این بسیار دشوار و بلکه غیرممکن می‌نمود. کسانی مانند باراک اوباما و وندی شرمین پس از برجام حتی نتوانستند ذوق‌زدگی خود را از این موضوع پنهان کنند که بالاخره راهی برای تغییر محاسبات و سپس تغییر سیاست و رفتار ایران در حوزه‌های اصلی منازعه با غرب پیدا کرده‌اند. دقیقاً همین موضوع بود که آمریکایی‌ها را به صرافت انداخت به تعبیر خودشان «پای ایران را روی آتش نگه دارند» تا این تغییر محاسبات به سایر حوزه‌ها سرایت کند.

اما اکنون، پس از گذشت حدود ۹ ماه از اجرای برجام به نظر می‌رسد واشنگتن واقع‌بین‌تر شده است. به‌رغم اینکه دولت آقای روحانی در مدیریت محاسبات آمریکا در دوران پس‌اثرجام به هیچ‌وجه کارنامه قابل قبولی ندارد اما مجموعه نظام جمهوری اسلامی، حال که به عقب می‌نگریم، در این دوران - که آمریکایی‌ها آن را «دوران یادگیری» خوانده بودند - درس‌های خوبی به این کشور داده است. هنوز نمی‌دانیم آمریکایی‌ها در این دوران چه یاد گرفته‌اند یا نه ولی می‌دانیم پیام‌هایی که باید می‌رسید، به کسانی که مخاطب این پیام‌ها بودند، رسیده است.

ادبیات فکلی مقام‌های آمریکایی نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین محاسبات شکل گرفته در ذهن آنها در همین مدت کوتاه این است که ایران فعلاً از برجام خارج نخواهد شد اما نه به این دلیل که توان تحمل هزینه‌های خروج از این توافق را ندارد، بلکه به یک دلیل بسیار مهم‌تر و آن اینکه ایران اگرچه امیدوار به گشایش‌های اقتصادی وعده‌شده در برجام ندارد اما متغیر ناشی از اثبات بدعهدی آمریکا به مردم خود را بسیار بیشتر از خسارت ناشی از صدمه دیدن برنامه هسته‌ای می‌داند. این چیزی است که مسلمان آمریکایی‌ها به این شکل فکرش را نکرده بودند. تصور آمریکا این بود که برجام به عنوان یک عامل شتاب‌دهنده تغییرات اجتماعی غربگرایانه در ایران عمل خواهد کرد که جامعه ایرانی را هر چه بیشتر شرطی کرده و مطالبه برجام‌های بیشتر را به یک گفتمان ملی در ایران تبدیل خواهد کرد اما آنچه عمل‌ارخ داده - و به همین دلیل است که آمریکایی‌ها رهبر معظم انقلاب اسلامی را یک استراتژیست بسیار برجسته می‌خوانند - این است که سطح بی‌اعتمادی در جامعه ایرانی به آمریکا بشدت رشد کرده و به‌رغم همه تلاش‌ها، داده‌های تجربی به ما می‌گوید مردم ایران روز به روز بیشتر به این نتیجه می‌رسند که آمریکا عمداً تعهدات خود را اجرا نمی‌کند به این دلیل که اساساً ملت ایران را دشمن خود می‌پندارد و در این دشمنی جازم‌تر هم شده است. در آخرین نظر سنجی‌ها عادی بی‌اعتمادی به آمریکا تا بیش از ۸۰ درصد رشد کرده در حالی که این شاخص در آستانه انتخابات ۹۲ به طرز نگران‌کننده‌ای منفی بود. این یک سرمایه راهبردی برای ایران است که ظاهر آمریکا‌ی‌ها هم آن را در محاسبات خود لحاظ کرده‌اند.

سرویس‌های اطلاعاتی غربی در پوشش دانشگاه‌ها و موسسات مطالعاتی تقریباً به طور روزانه در حال انجام نظر سنجی‌های تلفنی در ایران هستند و...

ادامه در صفحه ۵